سخنرانی دکتر محسن رنانی در «دفتر امور آمایش و توسعه منطقه‌ای»

خطرات و ثمرات احیای سازمان مدیریت

■ برنامه‌ریزی باید منطقه‌ای و آمایش فرامنطقه‌ای باشد

هنگامی که سخنرانی دکتر رنانی در چهارم تیرماه ۱۳۹۲ با عنوان «توسعه با رویکرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین» توسط «دفتر امور آمایش و توسعه منطقه‌ای» از واحدهای وابسته به «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور» و در محل این معاونت (ساختمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق) برگزار شد، کسانی که از بیرون برای شنیدن سخنرانی در حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای رفته بودند با فضای دیگری روبه‌رو شدند.

آن روزها تازه بحث احیای سازمان مدیریت داغ شده بود و مجلس نیز چند روز پیش از آن یک فوریت طرح احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را تصویب کرده بود. همان روزها نیز نماینده‌ای از سوی رییس جمهور منتخب برای بررسی مسائل احیای سازمان ملاقات‌هایی با کارشناسان و مقامات سابق سازمان مدیریت را ساماندهی کرده بود.

در چنین فضایی بود که محسن رنانی - که در هنگام انحلال سازمان مدیریت ضمن مخالفت با آن، نظریه «امتناع برنامه در ایران» را نیز مطرح کرده بود - می‌خواست درباره نقش آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در توسعه ملی سخن بگوید. اما فضای ذهنی شرکت‌کنندگان در جلسه و گفت‌وگوهای پیش از سخنرانی که همگی معطوف به مساله احیای سازمان بود، باعث شد تا سخنران تصمیم بگیرد تمرکز بحث خود را بر مساله احیای سازمان معطوف کند، ضمن آنکه مباحث توسعه منطقه‌ای و آمایش سرزمین را نیز در رابطه با مساله احیای سازمان مطرح کند. نوشتار پیش رو متن منقح شده سخنرانی دکتر رنانی در این نشست علمی است.

مقدمه

هنگامی که در دولت نهم صحبت از انحلال سازمان شد، من شخصا یکی از مخالفین انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بودم و بعد از انحلال آن دو سال پیاپی در مورد این مساله صحبت کردم و مطلب نوشتم. الان نیز مخالف احیای آن با این سبک

...

بچرخد. بنابراین باید در اقتصاد ظرفیت‌های واقعی برای رشد وجود داشته باشد یعنی ابزار و سازوکار و فناوری و نیروی انسانی و عزم تولید و سازماندهی و سرمایه اجتماعی برای همکاری و افق‌های امید بخش و امید به آینده و امنیت و نظایر اینها وجود داشته باشد، یعنی اقتصاد باید منابع و نهادهای اقتصادی

...

دولت نهم نگاه ساده‌ای به توسعه داشت و توسعه را مکانیکی می‌دید و آن را محصول پول داشتن و پخش‌کردن پول می‌دید و دیدیم که در اقتصاد ما پخش کردن پول جواب نمی‌دهد و نه تنها توسعه نمی‌آورد، بلکه اشتغال نیز نمی‌آورد چون پول در اقتصاد صرفا نقش تسهیل‌گر یعنی نقش روغن را دارد

برنامه‌ریزی و آمایش در ایران برای خیلی‌ها نان داشته، ولی برای توسعه ما آب نداشته است، اگر قرار است سازمان مدیریت با همان ترتیب و ساختار و ماموریت سابق احیا شود به نظر من آسیب‌های تازه‌ای برای توسعه ایجاد می‌کند. باید قدری تامل کرد و با طمانینه بیشتری به داستان برنامه‌ریزی نگاه کرد

نظام برنامه‌ریزی باید از نظام برنامه‌ریزی جامع مرکزمحور به سمت برنامه‌ریزی منطقه‌ای و مشارکت‌محور شیفت کند. نظام برنامه‌ریزی کنونی قابل دفاع نیست و دیگر جوابگوی نیازهای ما نیست و بخش زیادی از عدم توازن‌های توسعه‌ای و منطقه‌ای محصول همین نظام برنامه‌ریزی بوده است

ارزیابی انتقادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

بازسازی یا باز آفرینی یک سازمان

■ متاسفانه نظام برنامه‌ریزی ایران، متمرکز، دستوری، غیر مشارکتی و سخت افزاری است

■ نویسنده: احمدرضا روشن

ظاهرا همچون دنیای لباس که هر از چندی مدل و رنگی از پوشاک مد می‌شود، در دنیای نظرات نیز مد وجود دارد. مثلا در مباحث اخیر اقتصادی کشور چندی است که بدون تامل کافی طرفداری از احیای «سازمان برنامه و بودجه» اسبق یا «سازمان

...

گرچه دارا بودن یک سازمان برنامه‌ریزی مرکزی در هر کشوری اجتناب‌ناپذیر است و به تقویت برنامه کمک می‌کند، اما برنامه‌ریزی مرکزی با برنامه‌ریزی متمرکز متفاوت است. برنامه‌ریزی مرکزی می‌تواند مشارکتی و مبتنی بر سانترالیزم دموکراتیک باشد، اما در برنامه‌ریزی متمرکز یک گروه محدود برای همه کشور و مناطق برنامه‌ریزی می‌کنند

نظام برنامه‌ریزی در کشور ما نیازمند آسیب شناسی است. هر چند امروزه اعتقاد به برنامه‌ریزی ملی همانند سال‌های گذشته وجود ندارد، ولی این به آن معنا نیست که باید برنامه‌ریزی کنار گذاشته شود، بلکه دنیای امروز روش‌های جدید و موثرتری را برای برنامه‌ریزی ملی می‌طلبد. سازمان برنامه در اصل باید یک سازمان قوی علمی باشد تا یک سازمان متاثر از گرایش‌های سیاسی